

تحلیل بزه‌دیده‌شناختی قاچاق زنان و کودکان: با نگاهی به ملاک‌های بین‌المللی و مقررات ایران

دکتر مهرداد رایجیان اصلی*

مجتبی ابراهیمی سنو**

چکیده

طرح مسأله: قاچاق انسان یکی از جرایم سازمان‌یافته است که بیشترین بزه‌دیدگان آن را زنان و کودکان تشکیل می‌دهند. این افراد اغلب، اشخاص فریب‌خورده‌ای هستند که از سرنوشت خود اطلاعی نداشته و در دام قاچاقچیان گرفتار شده‌اند. فریب‌خوردگی بزه‌دیدگان قاچاق انسان، به طور عمده، معلول آسیب‌پذیری جنسیتی یا سنی این گروه از اشخاص است. روش: در این پژوهش بر پایه روش توصیفی-تحلیلی، و با استفاده از منابع جرم‌شناختی و بزه‌دیده‌شناختی، مفاد اسناد بین‌المللی و قوانین ایران در خصوص موضوع قاچاق زنان و کودکان بررسی شده است.

یافته‌ها: در قاچاق زنان و کودکان، آنچه که بیش از همه، به این بزه‌دیدگی دامن می‌زند، جنسیت و سن بزه‌دیدگان، به منزله دو متغیر آسیب‌شناختی، است. از دیدگاه بزه‌دیده‌شناسی، آسیب‌پذیری زنان و کودکان، ضرورت حمایت ویژه یا افتراقی از این دو گروه را ایجاب می‌کند. در همین راستا، در سطح بین‌المللی اقداماتی برای حمایت از این آماج‌های اصلی قاچاق انسان انجام شده است که تصویب پروتکل یکم الحاقی به کنوانسیون سازمان ملل برای مبارزه با جرم سازمان‌یافته فراملی نقطه عطف آن به شمار می‌رود. اما در ایران با وجود تصویب قانون مبارزه با قاچاق انسان (مصوب ۱۳۸۳)، به جنبه‌های گوناگون حمایتی (جز حمایت کیفری) توجه چندانی نشده است.

نتایج: به رغم اقدام‌های بین‌المللی در زمینه حمایت از بزه‌دیدگان، قانون مبارزه با قاچاق انسان، هنوز برای تحقق حمایت مطلوب از زنان و کودکان قربانی این جرم کافی به نظر نمی‌رسد. در نتیجه، اصلاح قوانین داخلی در راستای شناسایی ملاک‌های بین‌المللی در این زمینه، و به‌ویژه تعمیم حمایت کیفری به سایر جنبه‌های حمایتی، ضروری به نظر می‌رسد. کلید واژگان: بزه‌دیده، قاچاق انسان، زنان و کودکان بزه‌دیده، قاچاق زنان و کودکان، حمایت از بزه‌دیدگان.

* عضو هیأت علمی گروه حقوق، دانشگاه تربیت مدرس تهران rayejianasli@modares.ac.ir

** کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی

مقدمه

طرح مسأله

قاچاق انسان یکی از بزرگترین چالش‌های جامعه بین‌المللی معاصر است. ابعاد زیان‌بار این پدیده باعث می‌شود که امنیت و سلامت بدنی-روانی بزه‌دیدگان آن به خطر بیفتد. امروزه، مسأله قاچاق انسان به پدیده‌ای فراملی و جهانی تبدیل شده که آثاری مهمی بر ساختار اجتماعی-فرهنگی جوامع مختلف گذاشته است. این مسأله در جوامع توسعه‌نیافته یا کم‌تر توسعه‌یافته جدی‌تر بوده و شکل بحرانی به خود گرفته است.

در جرم قاچاق انسان، بیشترین گروهی که موضوع این رفتار مجرمانه واقع شده و از آن زیان می‌بینند، زنان و کودکان فریب‌خورده‌ای هستند که از سرنوشت خود اطلاعی نداشته و در دام قاچاقچیان گرفتار شده‌اند. بر پایه، برآوردها، سالانه میلیون‌ها زن و کودک با وعده پیدا کردن مشاغل مانند پرستاری از کودکان، ناتوانان یا سالمندان، کار در رستوران و کارخانه‌ها، یا حتا به اجبار به کشورهای مختلف قاچاق می‌شوند. این اشخاص، به طور معمول، با پول نقد یا مواد مخدر معاوضه شده و پس از چندی به صورت ابزاری برای خوش‌گذرانی مردان یا تأمین نیروی کار ارزان درمی‌آیند. بر پایه آمارهای سازمان ملل، قاچاق انسان، به‌ویژه قاچاق زنان و کودکان، سالانه ۵ تا ۷ میلیارد دلار برای باندهای قاچاق سودآوری داشته و در جریان آن، نزدیک به ۴ میلیون تن از کشوری به کشور دیگر یا در داخل کشورها قاچاق می‌شوند. از این تعداد، سالیانه حدود هفت صد هزار تا دو میلیون زن و کودک قربانی قاچاق واقع می‌شوند.

(Raymond:1,availableat:

http://action.web.ca/home/catw/attach/un_protocol.pdf).

وضعیت آماری موجود بیانگر این است که زنان و کودکان بیش‌تر از سایر اشخاص در برابر این جرم آسیب‌پذیر هستند. بنابراین، این پرسش به میان می‌آید که چه عواملی موجب آسیب‌پذیری بیش‌تر این گروه از اشخاص می‌شود؟ در کنار وضعیت آماری باید گفت پیامدهایی مانند شیوع بیماری (از جمله بیماری‌های

مقاربتی مانند ایدز) یا ایجاد اختلال‌های جنسی و روانی، نگرانی را درباره وضعیت زنان و کودکان بزه‌دیده به مراتب بیش‌تر می‌کند. وانگهی، قاچاق زنان و کودکان اغلب از طریق گروه‌های سازمان‌یافته بین‌المللی انجام می‌شود؛ از این رو، بزه‌دیدگان آن ممکن است هرگز جرأت اعلام شکایت را نداشته باشند. بنابراین صرف‌نظر از سهمی که زنان و کودکان بزه‌دیده، خود ممکن است در فرایند ارتکاب این جرم داشته باشند، از منظر جرم‌شناسی و بزه‌دیده‌شناسی، شایسته حمایت و توجه ویژه اند.

تا پیش از تصویب کنوانسیون سازمان ملل برای مبارزه با جرم سازمان‌یافته فراملی (زین پس، کنوانسیون پالمو) و به‌ویژه، پروتکل یکم الحاقی به آن، توجه جامعه بین‌المللی برای پیش‌گیری از قاچاق انسان، بیش‌تر معطوف به بزه و بزه‌کار بوده است. اما در پی تحولات بزه‌دیده‌شناسی و با تصویب این پروتکل در سال ۲۰۰۰، دولت‌ها نسبت به اعمال حمایت‌هایی نسبت به اشخاص آسیب‌پذیر (به‌ویژه زنان و کودکان بزه‌دیده) متعهد شده اند. در ایران نیز با تصویب *قانون مبارزه با قاچاق انسان* در سال ۱۳۸۳، گام مثبتی در زمینه مبارزه با این پدیده برداشته شده است. در نتیجه، باید دید که مهم‌ترین جنبه‌های حمایتی بین‌المللی در زمینه بزه‌دیدگان قاچاق زنان و کودکان چیست و قانون مبارزه با قاچاق انسان، تا چه اندازه با این ملاک‌های بین‌المللی سازگار است؟

روش تحقیق

در این پژوهش بر پایه روش توصیفی-تحلیلی، و با استفاده از منابع جرم‌شناختی و بزه‌دیده‌شناختی، و نیز مفاد اسناد بین‌المللی و مقررات داخلی، تلاش شده تا ضمن علت‌شناسی آسیب‌پذیری زنان و کودکان در جرم قاچاق انسان، به تحلیل حمایت‌های موجود و مطلوب از این بزه‌دیدگان پرداخته شود. فرضیه مقاله حاضر این است که آسیب‌پذیری زنان و کودکان، با توجه به متغیرهای جنسیت و سن، آنان را بیش از سایر افراد در معرض خطر بزه‌دیگی قرار می‌دهد و به همین دلیل، این اشخاص، نیازمند حمایت‌های ویژه اند. در این میان، نویسندگان بر این باور اند که

با وجود تصویب قانون مبارزه با قاچاق انسان (۱۳۸۳)، سیاست جنایی ایران در قبال حمایت از بزه‌دیدگان این جرم، در مقایسه با ملاک‌های بین‌المللی با چالش‌هایی، مواجه است.

۱- علت‌شناسی آسیب‌پذیری زنان و کودکان در قاچاق انسان

هر انحراف یا رفتاری که ارزش‌ها و هنجارهای یک گروه اجتماعی را تهدید کند، با واکنش اعضاء آن گروه مواجه می‌شود. از منظر جرم‌شناسی و بزه‌دیده‌شناسی، بدون شناخت عوامل جرم‌زا و بررسی علل بزه‌دیدگی و عوامل آسیب‌پذیری، نمی‌توان به یافته‌ها و نتایج قابل قبولی در زمینه پیش‌گیری از بزه‌کاری و بزه‌دیدگی دست یافت (توجهی، ۱۳۷۷: ۷۵). برای نمونه، می‌توان با شناسایی بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر و عوامل آسیب‌پذیری آنان، فرایند گذار از قصد به رفتار مجرمانه را با خنثاسازی یا کاهش زمینه‌های آسیب‌زا و عوامل آسیب‌پذیری، دشوارتر ساخت. در آسیب‌پذیربودن زنان و کودکان در برابر قاچاق عوامل مختلفی مؤثر است. این عوامل، به دلیل ارتباط با ویژگی‌های زیستی-فیزیولوژیکی زنان و کودکان، به این دو گروه اختصاص دارد و علاوه بر جرم قاچاق، آنان را در برابر بسیاری از جرایم دیگر نیز آسیب‌پذیر می‌سازد.

۱-۱-۱- آسیب‌پذیری زنان به اعتبار جنس: از نظر جرم‌شناسی و بزه‌دیده‌شناسی، آسیب‌پذیری زنان به‌طور عمده با ساختارهای جسمانی و روانی آنان مرتبط است. وانگهی، ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نیز در این زمینه نقش مؤثری دارد.

۱-۱-۱-۱- ساختار جسمی و روانی

زنان از لحاظ وضعیت جسمی-زیستی و فیزیولوژیکی، در مقایسه با مردان، ظریف‌تر و شکننده‌تر هستند و همین تفاوت‌ها، یکی از موجبات آسیب‌پذیری آنان در برابر جرم است. در جرایمی مثل جرم‌های خشونت‌بار، آدم‌ربایی و یا خشونت‌های خانوادگی، ضعف دفاعی زنان در مقابل مردان، آنان را بیش‌تر در

معرض خطر قرار می‌دهد (داوودی گرمارودی، ۱۳۸۸: ۳). در جرم قاچاق انسان نیز، زمانی که قاچاقچیان بخواهند با نارضایتی بزه‌دیده اقدام به قاچاق آنان نمایند، یکی از عواملی که باعث موفقیت بزه‌کار در ارتکاب جرم می‌شود، قدرت جسمی برتر مردان و عدم توانایی زنان در دفاع از خود در برابر چنین تجاوزهایی است. از لحاظ روانی نیز زنان به دلیل طبع لطیف و داشتن عواطف و احساسات و دخالت مؤثر این عوامل در بعضی تصمیم‌گیری‌های‌شان، ممکن است دچار غفلت و بی‌احتیاطی شده، زود تحت تأثیر مسائل و موقعیت‌های خارجی قرار گیرند و اغوا شوند، و یا با اعتماد بی‌دلیل، آسیب‌پذیری و در نهایت، بزه‌دیدگی خود را دامن زنند (داوودی گرمارودی، ۱۳۸۸: ۳). با وجود این، تأثیر محیط پیرامون اشخاص (از جمله شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی) را نمی‌توان در شرایط روانی اشخاص نادیده گرفت؛ به گونه‌ای که علت برخی از این شرایط، در واقع، در بزه‌دیدگی یا بزه‌کاری گذشته فرد نهفته است که می‌تواند زمینه ارتکاب جرم یا بزه‌دیدگی‌های آینده را فراهم آورد.

۲-۱-۱-۱- ساختار اجتماعی

نگرش جامعه نسبت به زنان و موقعیت اجتماعی آنان، در آسیب‌پذیری‌شان نقش عمده‌ای دارد. تبعیض جنسی، مدت‌ها به عنوان علت اصلی قاچاق و بهره‌برداری جنسی از زنان شناخته می‌شده است. وجود این امر در جوامع باعث می‌شود که زنان نسبت به مردان کم‌تر بتوانند از حقوق قانونی خود دفاع کنند. زنان در این جوامع کالایی تلقی می‌شوند که مردان از طریق آن به دنبال کسب درآمد هستند. اما این نوع بزه‌دیدگی به علت آمیخته‌شدن با نوع فرهنگ و نگرش جامعه، چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد (داوودی گرمارودی، ۱۳۸۸، ۴). به دلیل نابرابری جنسی، بسیاری از زنان برای جلوگیری از روابط جنسی با مشکلاتی روبرو هستند. زنان در چنین جوامعی قدرت کمی برای تعیین همسر و همچنین تصمیم‌گیری در مورد داشتن رابطه جنسی با همسران خود دارند. این عدم توازن قدرت، اغلب منجر به داشتن رابطه جنسی نامحوظانه و بی‌قاعده — حتی وقتی که آنان می‌دانند که برای

سلامتی‌شان خطرناک است — می‌شود. سلطه مردان در نظام‌های خانوادگی، اجتماعی و سیاسی مردسالار، منشأ بسیاری از نابرابری‌ها و خشونت‌هاست و پیامد این نابرابری و خشونت به شکل پدیده‌هایی چون طلاق و فرار از خانه بروز می‌کند. این موضوع به ویژه در کشورهای جهان سوم آشکارتر است. «سهم زنان در کشورهای جهان سوم، سهم پرمشقتی است، زنان بی‌ناترین بی‌نوایان اند. زیر فشار بی‌عدالتی در کشور خود در سطح جهانی و زیر فشار نظام خانوادگی که به پدران و شوهران و برادران دست برتر داده است، ستم مضاعفی را تحمل می‌کنند.» (پل هریسون، ۱۳۶۴، صص ۸۹ - ۳۸۸). زنان مطلقه اغلب به دلیل ساختار مردسالارانه حاکم بر جامعه ممکن است در خانه پدری هم جایگاهی نداشته باشند. وانگهی، وضعیت بد اقتصادی و همچنین نگاه منفی جامعه نسبت به زنان مطلقه باعث می‌شود این گونه زنان در مسیر یافتن فرصت شغلی مناسب برای امرار معاش با مشکلاتی مواجه شوند. در نتیجه قربانیان این محیط و شرایط با تصور نجات و یافتن پناهگاه و رهایی خویش، در دام شبکه‌های بین‌المللی قاچاق گرفتار می‌شوند و چون این شبکه‌ها و فعالیت‌های‌شان جنبه غیر قانونی دارند، امکانی برای شکایت در مراجع قانونی باقی نمی‌ماند. طبق برخی از آمارهای موجود، ۷۷ درصد بزه‌دیدگان قاچاق را زنان مطلقه تشکیل می‌دهند (Todres, 2006: 89). این امر بیانگر ساختار اجتماعی و فرهنگی معیوب بسیاری از کشورهاست. اگر زنان مطلقه در نظام قانونی کشورها، از حقوق برابر با مردان برخوردار شوند و از حقوق خود آگاه باشند، هرگز تن به قاچاق نخواهند داد.

۳-۱-۱- ساختار اقتصادی

وابستگی اقتصادی زنان به مردان (برای نمونه، به پدر، پیش از ازدواج، و به شوهر، پس از ازدواج) سبب می‌شود که زنان در مقابل تعدیاتی که به آنان روا داشته می‌شود، سکوت کنند و مردان که مظهر قدرت برتر اقتصادی در چنین خانواده‌هایی محسوب می‌شوند، به خودکامگی و استبداد رو آورده و زنان نگران از

قطع این وابستگی و امرار معاش خود، مورد سوءاستفاده و بهره‌کشی قرار گیرند (Todres, 2006: 89).

اشاره به این مسأله نیز شایان ذکر است که وقتی جامعه با معضل بیکاری روبه‌روست، فرصت‌های شغلی بیش‌تر در اختیار مردان قرار می‌گیرد و زنان، به‌ویژه وقتی که سرپرستی خانوار را بر عهده دارند، با مشکلات مضاعفی روبرو هستند. علاوه بر این حتی در صورتی که امکان کار برای زنان وجود داشته باشد غالباً به آنان کارهای سخت و طاقت‌فرسا و مشاغل پست، ملال‌آور و تکراری داده می‌شود، و بیش‌وکم دستمزد کمی دریافت می‌کنند.

نابرابری در حق مالکیت و کنترل بر منابع مالی خانواده و وابستگی اقتصادی، زنان را در برابر انواع سوءاستفاده‌ها آسیب‌پذیر می‌سازد. در برخی کشورها، زنانی که شوهران‌شان را به دلیل فوت، از دست داده اند، به موجب قانون یا سنت، از ارث ممنوع شده اند (Human Rights Watch, 2003: 25). این امر باعث می‌شود بسیاری از زنان پس از مرگ شوهران‌شان، بی‌خانمان و از نظر مالی، ضعیف شوند.

حتی در طول ازدواج، سنت‌های بومی ممکن است باعث شود زنان، حتی بدون توجه به این که برخی از دارایی‌های زندگی‌شان را به زندگی زناشویی آورده اند، کنترل کمی بر این دارایی‌ها داشته باشند (Todres, 2006: 89). زنان، بدون دسترسی به منابع اقتصادی، در معرض فقر قرار دارند. در چنین شرایطی، بسیاری از آنان ممکن است برای تأمین مالی خود و خانواده‌های‌شان، به کارهای پرمخاطره‌ای از قبیل روسپیگری پردازند که این خود می‌تواند آسیب‌پذیری آنان را در برابر باندهای قاچاق انسان در پی داشته باشد.

اگرچه یکی از راهکارهای جلوگیری از استثمار زنان و تن دادن به بهره‌کشی جنسی برای رفع نیازهای اولیه زندگی، خوداتکایی مالی و داشتن شغلی ثابت و ایمن است، اما متأسفانه زنان در این زمینه هم از مردان آسیب‌پذیرتر اند. وانگهی، رشد صنایع و شهرنشینی هم به منافع زنان کمک چندانی نمی‌کند، زیرا جدای از وضعیت جسمانی، مهارت آنان نیز نسبت به مردان کمتر است؛ در نتیجه، زنان خودبه‌خود به بخش‌های غیرصنعتی و کم‌دستمزدتر رانده می‌شوند.

بسیاری از کشورها، به دلیل نابسامانی‌های اقتصادی و عدم مدیریت و برنامه‌ریزی صحیح در این زمینه، برنامه‌های تعدیل اقتصادی در ارتباط با زنان را به مورد اجرا گذاشته‌اند. با وجود این، برنامه‌های تعدیل اقتصادی دهه ۸۰ میلادی هم وضع زنان را بدتر کرد. زیرا غالب این برنامه‌ها شامل کمک به زنان فقیر از طریق اعطای وام یا سایر تسهیلات مالی می‌شد. (داوودی گرامرودی، ۱۳۸۸، ۵). بی‌گمان، تا زمانی که زنان در چرخه تولید کشور نقش فعال نداشته باشند، صرف اعطای تسهیلات و کمک‌های نقدی، وابستگی بیش‌تر آنان به دولت را در پی‌دارد.

۱-۲-۱- آسیب‌پذیری کودکان به اعتبار سن

آسیب‌پذیری فرد از نظر معیار آسیب‌شناسانه سن، نه تنها در برخی از شاخه‌های علوم جنایی (مانند بزه‌کاری کودکان و نوجوانان) جایگاه ویژه‌ای دارد، بلکه از منظر سیاست جنایی ویژه یا افتراقی نیز قابل بررسی است (رایجیان اصلی، ۱۳۹۰: ۱۱۷ و ۱۳۷ و بعد). این آسیب‌پذیری به عوامل مختلفی بستگی دارد که می‌توان در سه محور فردی، اجتماعی و خانوادگی از هم تفکیک کرد.

۱-۲-۱-۱- ساختار جسمی-روانی یکی از مهم‌ترین شاخص‌های علت‌شناسی بزه‌دیدگی کودکان، توجه به عوامل زیستی-فیزیولوژیکی بزه‌دیدگی آنان است. «بر پایه نظریه فرصت جرم^۱ و یکی از مؤلفه‌های این نظریه، یعنی انتخاب عاقلانه^۲، بزه‌کار با سنجیدن شرایط یا اوضاع و احوال پیش از ارتکاب جرم (شرایط پیش‌جنایی)^۳ و ارزیابی احتمال موفقیت یا ناکامی خود، سعی می‌کند بزه‌دیدگانی را برگزیند که به نسبت، کم‌خطرتر باشند». (رایجیان اصلی، ۱۳۸۹-۱۳۸۶: ۳۴) یکی از موارد سوءاستفاده‌های قاچاقچیان انسان از بزه‌دیدگان، برداشتن اندام آنها است که

^۱. the crime opportunity theory

^۲. rationale choice

^۳. pre-criminal conditions/situations

سود کلانی را برای مرتکبان به همراه دارد. در این میان، به طور قطع، کودکان به دلیل آسیب‌پذیری سنی، برای قاچاقچیان انسان مناسب‌ترین گزینه خواهند بود. کودکان از لحاظ روانی نیز در موقعیت بسیار شکننده‌ای قرار دارند. ضعف ذهنی و عقلی‌شان در ارزیابی میزان خطر می‌تواند از عوامل آسیب‌پذیری آنان باشد. در واقع، کودک را از این منظر نیز می‌توان یک آماج مناسب برای بزه‌کاران دانست (قاسمی، بی‌تا، در:

<http://www.qomprisons.ir/Attach/SMMArticles/Pages/1/a6d3e4b0b3726e0b372e0213f60ed>)

کودکی که بدین‌سان، بزه‌دیده می‌شود، ممکن است تصور کند که در صورت گزارش بزه‌دیدگی خود، شکایت او را جدی نگیرند. همچنین، او ممکن است از ترس این که با این کار نزدیک‌ترین کسان‌اش را از دست بدهد، بزه‌دیدگی خود را تحمل کند و در نتیجه، از اعلام آن خودداری ورزد. بنابراین ترس کودک، که ناشی از ضعف روانی اوست، می‌تواند در محاسبات بزه‌کاران نقش داشته باشد.

افزون بر این‌ها، از نظر روان‌شناسی، قوه تمیز و ادراک در کودک هنوز به اندازه کافی رشد نکرده است. در نتیجه، کودک نمی‌تواند همیشه عواقب اعمال خود را پیش‌بینی کرده و در برابر محرک‌ها و عوامل تحریک‌کننده محیطی مقاومت کند (کی‌نیا، ۱۳۸۶: ۱۹۵). کودک به اقتضای طبع در زمان حال زندگی می‌کند. گذشته از این، میل به تقلید در کودکان بسیار قوی است و باید قوانین این محرک روانی را مسلم دانست. در همین راستا، باید اهمیت قابل ملاحظه‌ای که سرمشق‌ها و نمونه‌ها در تحریک هیجان کودک دربردارند، خاطر نشان شود. کودک به مطابقت دادن خود با سرمشق‌ها و نمونه‌ها یا یکسان‌سازی خود با آن نیازمند است. الگوی کودک در رفتارش تأثیر زیادی خواهد گذاشت. در صورتی که الگوی او فردی باشد که خود قربانی قاچاق است (برای نمونه، پدر-مادر)، کودک به راحتی تسلیم باندهای قاچاق می‌شود.

سرانجام، شرایط جسمانی-روانی کودکان می‌تواند زمینه‌ساز ناتوانی اجتماعی آنان نیز باشد که این مسأله نیز می‌تواند در بزه‌دیدگی‌شان نقش به‌سزایی داشته باشد.

کودکان به هیچ وجه نمی‌توانند در فعالیت‌های اجتماعی موفق باشند. این امر و نیز ویژگی همانندسازی با بزرگسالان که در کودکان بسیار فراوان است، باعث می‌شود که برای جبران این ناتوانی در برابر خواسته‌های بزه‌کاران آسیب‌پذیر باشند. اعلامیه حقوق کودک (۱۹۵۹) تأکید می‌کند: «کودکی که از نظر اجتماعی ناتوان است باید از توجه ویژه آموزشی و مراقبت‌های لازم و متناسب با وضع خاص خود بهره‌مند گردد» (Declaration of the Rights Child, 20 Nov 1959, art.5). تأکید جامعه بین‌المللی بر این موضوع از اهمیت آن حکایت می‌کند و شایسته تحسین است.

۲-۱-۱-۱- ساختار اجتماعی

کودکان در بسیاری از جوامع، جزو طبقه درجه‌ی دوم و کم‌اهمیت به حساب می‌آیند و اغلب به همین دلیل از سوی افراد مورد انواع سوءاستفاده‌ها قرار می‌گیرند. پایگاه ضعیف یا پایین اجتماعی کودکان و نوجوانان و نیز عدم دسترسی به راه‌های مشروع برای بهره‌مندی از پایگاه اجتماعی، می‌تواند آسیب‌پذیری آنان را در پی داشته باشد. این شرایط، حتی فرایند اجتماعی‌شدن (جامعه‌پذیری) کودکان را دچار مشکل می‌کند، به‌ویژه زمانی که کنش‌های انحرافی محیط پیرامون نیز به آن اضافه شود. برای مثال، اگر کودک زیر فشار ساختار نامساعد اجتماعی قرار گیرد و در همان حال، در معرض وسوسه‌های محیط اطراف نیز قرار داشته باشد و در مقابل، فاقد معیارهای فردی مطلوب، مانند تحمل‌پذیری قوی، باشد، می‌توان پیش‌بینی کرد که آسان‌تر به ورطه بزه‌کاری و بزه‌دیدگی می‌افتد.

خشونت علیه کودکان یکی از موارد شایعی است که منشأ آن در برخی موارد می‌تواند برخورداری از پایگاه اجتماعی ضعیف باشد. خشونت و جرایم علیه کودکان فقط به ایراد ضرب‌وشتم، تجاوز، سوءاستفاده‌های جنسی، ناقص‌کردن عضو و مانند اینها محدود نمی‌شود، بلکه ممکن است از لحاظ روحی و روانی نیز بر آنان لطمات جبران‌ناپذیری وارد سازد.

در نهایت، می‌توان گفت کودکانی که مورد بی‌مهری و محرومیت‌های عاطفی و، به‌طور کلی، مورد خشونت از طرف اجتماع یا خانواده قرار می‌گیرند، نسبت به پدرمادر و اجتماع خود بی‌میل شده و در نتیجه، راحت‌تر به سوی باندهای قاچاق کشیده می‌شوند.

۳-۲-۱-۱- ساختار خانوادگی

خانواده اولین جایی است که کودک به اقتضای سن خود در آن زندگی می‌کند و، به‌طور معمول، مطلوب‌ترین مکان برای دوران کودکی به شمار می‌آید. بنابراین، در بررسی ساختارهایی که آسیب‌پذیری کودکان را در برابر قاچاق به همراه دارد، ضروری است که نهاد خانواده نیز مورد بررسی قرار گیرد. زیرا، ساختار معیوب خانواده همان‌گونه که زمینه را برای بزه‌کاری کودکان فراهم می‌کند، می‌تواند زمینه‌ساز بزه‌دیدگی‌شان نیز باشد. خانواده، کوچک‌ترین و، در همان حال، مهم‌ترین و حساس‌ترین واحد اجتماعی به حساب می‌آید.

به‌طور کلی، بزه‌دیدگان خردسال دارای والدینی هستند که یا بسیار خشن و سخت‌گیر بوده و یا برعکس، بی‌تفاوت و بی‌توجه به فرزندان خود هستند (Seaman, 2010: 10). از آن‌جا که کودکان از نظر عاطفی بسیار حساس و قوی هستند، کوچک‌ترین ناملایمی و اختلال در خانواده تأثیر مستقیمی بر آنان خواهد گذارد. آلودگی محیط خانواده می‌تواند به فرزندان نیز سرایت نموده و آنان را دستخوش انواع ناملایمات و کژروی‌ها بسازد. گاهی پدرمادر سعی می‌کنند با توسل به زور و خشونت به اصلاح امور بپردازند، در حالی که این‌گونه رفتارها تأثیر بدتری بر جسم و روان کودکان می‌گذارد. پرخاشگری پدرمادر نسبت به یکدیگر و یا نسبت به فرزند، کودک را از محیط خانواده ناراضی و فراری می‌سازد و اینجاست که این کودکان به راحتی طعمه باندهای قاچاق می‌شوند.

بی‌تفاوتی پدرمادر نیز می‌تواند به همان میزان در بزه‌دیدگی کودکان و کشیده‌شدن آنان به سوی باندهای قاچاق تأثیر داشته باشد. کودکان به اقتضای وضعیت روانی خود نمی‌توانند عواقب اعمال خود را بسنجند و به راحتی تسلیم

خواسته‌های دیگران می‌شوند. بنابراین، در صورتی که رفتار کودکان و ارتباط آنان با محیط خارج خانه کنترل نشود، چه بسا به آسانی گرفتار قاچاقچیان شوند. در نهایت باید گفت که ساختار معیوب خانواده فقط خشونت یا بی‌تفاوتی پدرمادر را شامل نمی‌شود، بلکه می‌تواند بسیاری از موارد دیگر — از جمله اعتیاد، فقر خانواده یا حتی کنترل بیش از اندازه پدرمادر نسبت به فرزندان — را دربرگیرد.

۲- حمایت از زنان و کودکان بزه‌دیده قاچاق در پرتو بزه‌دیده‌شناسی حمایتی

در قوانین ملی و فراملی، با تأثیر از تحولات بزه‌دیده‌شناسی، ملاحظات به منظور احقاق حق و تثبیت موقعیت بزه‌دیدگان و جبران خسارات و ترمیم عاطفی-روانی آنان در نظر گرفته شده است. در مورد زنان و کودکان بزه‌دیده قاچاق نیز در کنوانسیون مبارزه با جرایم سازمان‌یافته فراملی و پروتکل یکم الحاقی آن، مقرراتی برای حمایت از این بزه‌دیدگان پیش‌بینی شده است. علاوه بر این، در سطح منطقه‌ای نیز برخی از اقدامات در راستای حمایت از بزه‌دیدگان قاچاق زنان و کودکان به چشم می‌خورد.

در ایران، تصویب *قانون مبارزه با قاچاق انسان* (۱۳۸۳) هر چند گام مؤثری در جهت حمایت از بزه‌دیدگان قاچاق انسان به‌شمار می‌رود. اما متأسفانه تمام جنبه‌های حمایت را مدنظر قرار نداده است و در واقع بیش‌تر بر حمایت کیفری مبتنی بر سزادهی تکیه کرده تا به دیگر جنبه‌های حمایتی.

۲-۱- حمایت کیفری: اولویت حمایت از بزه‌دیدگان قاچاق انسان

حمایت کیفری از گذر سازوکاری به نام «جرم‌انگاری» متداول‌ترین و سنتی‌ترین شکل حمایت از بزه‌دیدگان است که در ساده‌ترین شکل، نیازمند پیش‌بینی یک ضمانت اجرای مشخص و به‌طور معمول، کیفری است (رایجیان اصلی، ۱۳۹۰: ۱۲۳). به عبارت دیگر، قوانین کیفری در کنار نقش پیش‌گیرانه‌ای که در چارچوب بازدارندگی و جمعی دارند، نقش حمایتی از گذر پیش‌گیری از بزه‌دیدگی را نیز بر عهده دارند.

در سطح بین‌المللی تا سال ۲۰۰۰، مقررات کافی در خصوص جرم‌انگاری قاچاق زنان و کودکان وجود نداشته است. اما در این سال، سازمان ملل با تصویب «پروتکل مجازات، سرکوب و پیش‌گیری از قاچاق انسان، به‌ویژه زنان و کودکان» گام مثبتی در جهت حمایت از بزه‌دیدگان قاچاق انسان به‌ویژه زنان و کودکان برداشت.

ماده ۵ پروتکل که یکی از مهم‌ترین مواد آن در زمینه جرم‌انگاری قاچاق زنان و کودکان است، چنین مقرر می‌دارد:

«۱- هر دولت معاهد باید تدابیر قانونی و سایر تدابیر لازم و ضروری را برای جرم‌انگاری رفتار مندرج در ماده ۳ این پروتکل، وقتی که به طور عمدی ارتکاب می‌یابد، اتخاذ نماید.

۲- هر دولت طرف پروتکل تدابیر قانونی و غیر آن را که برای جرم‌انگاری اعمال زیر ضرورت دارد، اتخاذ خواهد کرد:

الف - منوط به اصول اساسی نظام حقوقی دولت معاهد، تلاش جهت ارتکاب یک جرم مقرر در بند ۱ این ماده.

ب - مشارکت به عنوان معاون در جرمی که مطابق با بند ۱ این ماده برقرار شده است.

ج - سازمان‌دهی یا هدایت دیگر اشخاص به ارتکاب عملی که مطابق با بند ۱ این ماده جرم‌انگاری شده است» (Palermo Protocol, 2000: Art. 5).

دولت‌هایی که پروتکل را تصویب می‌کنند، توصیه می‌شوند تا، در صورت خلأ تقنینی، قانونی را برای جرم‌انگاری چنین فعالیت‌هایی وضع کنند. در بیشتر دولت‌ها این جرم با چهار سال حبس یا بیش‌تر قابل مجازات است و بنابراین به عنوان جرایم شدید دسته‌بندی می‌شود (Raymond, 2002: 494) افزون بر این، جدا از قوانین مناسب برای مجازات قاچاقچیان، در بند ۱ ماده پنجم به دیگر تدابیر لازم نیز اشاره شده است که می‌تواند تدابیر اجرایی، اداری و پلیسی را در بر بگیرد. در نکات تفسیری در این خصوص آمده است: «تدابیر دیگر ذکر شده در بند ۱ این ماده تدابیری اضافه بر تدابیر قانونی است که وجود یک قانون را از پیش مفروض می‌گیرد». (Interpretive Notes, 2000: 13)

سودمندی این تفسیر در این است که برخی از دولت‌ها ممکن است با اتخاذ برخی تدابیر اداری، پلیسی یا غیر آن ابراز دارند که به تعهدات خود بر طبق این ماده عمل کرده‌اند و این در حالی است که هیچ‌گونه قانون داخلی برای مجازات مرتکبان جرم قاچاق اشخاص در آن دولت وجود ندارد. با این تصریح روشن می‌شود که اتخاذ تدابیر دیگر به هیچ وجه بدون وضع قوانین کیفری لازم برای مجازات مرتکبان قاچاق کافی نیست.

در بند ۱، قیدی جهت جرم‌انگاری عمل قاچاق اشخاص وضع شده که عبارت است از ارتکاب عمدی این عمل. بدیهی است که اگر متهمی که به قاچاق اشخاص متهم گردیده است، در دادگاه حاضر شود، می‌تواند از این بند جهت دفاع از خویش استفاده کرده و ابراز کند که قصد و اطلاع نداشته که قرار است این اشخاص مورد بهره‌کشی قرار گیرند. البته اثبات چنین ادعایی به خاطر ماهیت ذاتی قاچاق اشخاص به ویژه زنان و کودکان که عمل بهره‌کشانه می‌باشد، بسیار دشوار خواهد بود (اشتری، ۱۳۸۵: ۱۶۹). به علاوه زمانی بزه‌کار می‌تواند به این بند استناد کند که پروتکل قابلیت استنادی داشت. اما با توجه به این که پروتکل جنبه ارشادی دارد نه الزامی و همچنین با توجه به این که در صورتی بزه‌کار قابل مجازات است که این جرم در قوانین داخلی کشورها بیاید، در نتیجه، قاچاقچیان نمی‌توانند در رفع مجازات از خود به این بند و قید «عمدی بودن» استناد کنند.

علاوه بر این، پروتکل اعمال دیگری را نیز در راستای اهداف اصلی این سند جرم‌انگاری می‌کند. این جرایم که در بندهای الف، ب و ج قسمت ۲ ماده پنجم آمده است، عبارت است از تلاش جهت انجام قاچاق زنان، و سازمان‌دهی یا هدایت دیگر اشخاص به ارتکاب این جرم. جدا از جرم اصلی قاچاق اشخاص، در بند (الف)، شروع به جرم نیز در صورت اجازه دادن نظام حقوقی دولت معاهد قابل مجازات است. همان‌گونه که می‌دانیم، در تعریف شروع به جرم بین حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد. این اختلاف در قوانین کشورها نیز وجود دارد. بر همین اساس در نکات تفسیری درباره این موضوع نکات روشنگری آمده است: «اشاره به شروع به جرم که در بند ۲ مطابق با حقوق داخلی مقرر شده، در برخی کشورها، هم

اعمال ارتكابی در جهت مقدمات جرم، و هم اعمالی را که در تلاش نافرجام برای ارتكاب جرم انجام گرفته است، در بر می‌گیرد، و این در جایی است که آن اعمال نیز براساس حقوق داخلی جرم یا قابل مجازات باشند.» (Interpretive Notes, 13: 2000) بنابراین شروع به جرم مذکور در پروتکل، با توجه به اختلافی که کشورها در تعریف آن دارند، ممکن است در نظام قانون‌گذاری هر کشور فرق داشته باشد.

با توجه به این که امروزه قاچاق انسان در قالب جرم سازمان‌یافته انجام می‌شود، تدوین‌کنندگان پروتکل نیز به این موضوع توجه داشته‌اند و با تصویب بند ج، دولتها را در جرم‌انگاری رفتار کسانی که به عنوان مغز متفکر سازمان هستند و هیچ دخالتی (اعم از ارتكاب عملیات مقدماتی «معاونت» و عملیات اجرایی «مشارکت») در ارتكاب جرم ندارند، راهنمایی می‌کنند.

خوشبختانه با تصویب قانون مبارزه با قاچاق انسان (۱۳۸۳)، جرم‌انگاری قاچاق انسان در ایران به صورت خاص تحقق یافته است. این جرم‌انگاری به صورت پذیرش مسئولیت برای اشخاص حقیقی و حقوقی انجام شده است. این قانون در مواد ۱ و ۲ مصادیق قاچاق انسان و اعمال در حکم قاچاق انسان را بیان می‌کند.

ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق انسان اشعار می‌دارد: «قاچاق انسان عبارت است از: الف - خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت مجاز یا غیر مجاز فرد یا افراد از مرزهای یک کشور با اجبار و اکراه یا تهدید یا خدعه و نیرنگ و یا با سوءاستفاده از قدرت یا موقعیت خود یا سوءاستفاده از وضعیت فرد یا افراد یادشده، به قصد فحشاء یا برداشت اعضاء و جوارح، بردگی و ازدواج.

ب - تحویل گرفتن یا انتقال دادن یا مخفی نمودن یا فراهم ساختن موجبات اخفاء فرد یا افراد موضوع بند الف این ماده پس از عبور از مرز با همان مقصود.» اشکالات وارد بر این ماده عبارت است از:

۱- تعیین ارتكاب جرم قاچاق انسان در دو قلمرو سیاسی تحت عنوان قاچاق فراملی و قاچاق داخلی است که ماده ۱ فقط قاچاق فراملی را مدنظر قرار داده است و بنابراین نمی‌توان قاچاق داخلی را طبق این ماده مورد بررسی قرار داد.

۲- دیگر اشکال این ماده در خصوص مصادیق قصد فرد یا افراد قاچاقچی است که قانون‌گذار به مصادیقی همچون فحشاء، برداشت اعضاء و جوارح، بردگی و ازدواج اکتفا نموده است و این در حالی است که مصادیق قصد فرد یا افراد قاچاقچی بسیار گسترده‌تر از این مصادیق است. بنابراین بهتر بود مصادیق به صورت تمثیلی ذکر می‌شدند نه حصری.

۳- اشکال سومی که بر این ماده وارد است قسمت اخیر بند ب ماده - یعنی این عبارت است: «پس از عبور از مرز با همان مقصود». در این میان، شاید افرادی دستگیر شوند و در حین جلسه دادرسی به فرض عنوان دارند که قصد ما از این کار ازدواج همراه با رضایت فرد یا افراد قاچاق شده بوده است نه این که آنها به قصد فحشاء و روسپیگری انتقال داده شوند. در این صورت، ممکن است با استناد به قسمت اخیر ماده ۱ از تحمل کیفر بگریزند.

ماده ۲ قانون، اعمال در حکم قاچاق انسان را ذکر می‌کند. طبق این ماده: «اعمال زیر در حکم قاچاق انسان محسوب می‌شود:

الف - تشکیل یا اداره دسته یا گروه که هدف آن انجام امور موضوع ماده ۱ این قانون باشد.

ب - عبور دادن (خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت) حمل یا انتقال مجاز یا غیر مجاز فرد یا افراد به طور سازمان‌یافته برای فحشاء یا سایر مقاصد موضوع ماده ۱ این قانون هر چند با رضایت آنان باشد.

ج - عبور دادن (خارج یا وارد کردن و یا ترانزیت)، حمل یا انتقال غیرمجاز افراد به قصد فحشاء هر چند با رضایت آنان باشد».

نکته اول در خصوص این ماده عبارت‌های «برای فحشاء» در بند (ب)، و «به قصد فحشاء» در بند (ج) است. دلیل تصریح به این عبارت‌ها، موارد زیادی است که این جرم در ایران به همین قصد (یعنی فحشاء) صورت گرفته است و شاید هم از باب غلبه این قصد بر سایر مقاصد در ایران و سایر کشورها باشد.

نکته دوم در خصوص عبارت «هر چند با رضایت آنان باشد» است. یک نظر می‌تواند این باشد که برای مثال، زن بالغی که با مهاجرت برای کار جنسی موافقت

می‌کند و آزادی حرکت و کنترل اساسی خود بر عوایدش را حفظ می‌کند، شخص قاچاق‌شده محسوب نمی‌شود.

ماده ۳ نیز برای جرایم مشمول مواد ۱ و ۲ مجازات حبس و جزای نقدی پیش‌بینی کرده است.

علاوه بر این، قانون مبارزه با قاچاق انسان، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را نیز پذیرفته است که این موضوع از نقاط قوت این قانون محسوب می‌شود. ماده ۵ این قانون مؤسسات و شرکت‌های خصوصی را که به قصد ارتکاب جرایم موضوع این قانون، ولو با نام و عنوان دیگری تشکیل شده باشند، به ابطال پروانه یا مجوز فعالیت و بستن آن مؤسسه محکوم می‌کند.

تردید نیست که پذیرفتن مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در جرم قاچاق انسان گام مثبتی تلقی می‌شود و علت آن را باید در ماهیت این جرم جستجو کرد. زیرا مرتکبان قاچاق اغلب در بعد فراملی و به صورت سازمان‌یافته فعالیت می‌کنند و چه بسا ممکن است در قالب اشخاص حقوقی خود را به ثبت رسانده و زیر لوای به‌ظاهر قانونی به فعالیت‌های غیرقانونی بپردازند. از این رو، ضرورت مبارزه با آن، قانون‌گذار ایران را ناگزیر از پذیرفتن مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی کرده است.

۲-۲- حقوق زنان و کودکان بزه‌دیده قاچاق در فرایند عدالت جنایی

با پذیرش این واقعیت که بزه‌دیده کنش‌پذیر اصلی پدیده مجرمانه تلقی می‌شود و قبول این مسأله که این پدیده، گذشته از اخلال در نظم عمومی، در بسیاری از موارد، حقوق بزه‌دیده را نیز تضییع می‌نماید، متولیان سیاست جنایی ناگزیر باید بزه‌دیده را در روند عدالت جنایی به منظور جهت‌دهی دادرسی کیفری در راستای احقاق حقوق مداخله دهند. مهمترین حقوق زنان و کودکان بزه‌دیده قاچاق در فرایند دادرسی را می‌توان به شرح زیر بررسی کرد.

۱-۲-۲- ارائه دیدگاه‌ها و نگرانی‌های بزه‌دیدگان

یکی از ابتدایی‌ترین حقوق بزه‌دیدگان که می‌تواند زمینه را برای تحقق سایر حقوق‌شان نیز فراهم کند، حق آنان برای مطالبه کلیه خسارات (اعم از مادی، معنوی، عاطفی-حیثیتی...) و نگرانی‌هایی است که به بزه‌دیده وارد شده یا شاید در آینده وارد شود. زنان و کودکان بزه‌دیده قاچاق باید حق داشته باشند تا دیدگاه‌ها و نگرانی‌های خود را در مرحله‌های گوناگون فرایند دادرسی به‌ویژه درباره آثار جرم بر خود و زمانی که در منافع شخصی‌اش مؤثر است، بیان کند (شایان، ۱۳۸۴: ۸۰-۸۱). این امر باعث می‌شود که مساعدت‌های مؤثرتری، با توجه به میزان آسیب‌هایی که به بزه‌دیدگان وارد شده است، نسبت به آنان اعمال شود. پروتکل یکم پالمو نیز در این زمینه پیش‌بینی می‌کند که: «هر دولت طرف پروتکل تضمین خواهد کرد که نظام حقوقی یا اداری داخلی خود تدابیری را دربرداشته باشد که در موارد مقتضی به بزه‌دیدگان قاچاق اشخاص موارد زیر را ارائه کند.

ب - کمک برای این که نظرات و نگرانی‌ها ارائه شود و در مراحل مناسب رسیدگی‌های کیفری در مقابل بزه‌کاران به گونه‌ای که به حقوق دفاعی آنان خدشه‌ای نزنند، مورد ملاحظه قرار گیرد.» (Palermo Protocol, 2000: Art. 6.2. b).

آنچه که در مورد ارائه دیدگاه‌های بزه‌دیدگان قاچاق انسان، با توجه به پروتکل، اهمیت دارد این است که ابراز دیدگاه‌ها و نظرات بزه‌دیدگان نباید به حق متهمان در دفاع از خود خدشه‌ای وارد کند. از این اصل می‌توان به مثابه هم‌ترازی حقوق بزه‌دیدگان و متهمان در دادرسی عادلانه یاد کرد (رایجیان اصلی، ۱۳۹۰: ۲۸۱).

در این زمینه، *قانون مبارزه با قاچاق انسان* ساکت است. با وجود این، برای جامه عمل پوشاندن به این حق، به نظر می‌رسد که مقام قضایی می‌تواند از اختیارات قضایی خود برای احقاق این حق مسلم بزه‌دیده در سطح سیاست جنایی قضایی بهره‌گیری کند.

۲-۲-۲- تأمین امنیت زنان و کودکان بزه‌دیده قاچاق

حمایت از بزه‌دیدگان قاچاق زنان و کودکان در برابر تهدیدها و اقدام‌های تلافی‌جویانه قاچاقچیان، یکی دیگر از حقوق مهم آنان است. از آن‌جا که این تهدیدها یا اقدامات تلافی‌جویانه در بزه‌دیدگان و خانواده‌شان احساس ناامنی ایجاد می‌کند و بزه‌دیدگان به دلیل ترس ممکن است اقدام به اقامه دعوا نکنند، ضابطان دادگستری موظف اند همه تدابیر لازم را برای ایجاد احساس امنیت در بزه‌دیدگان و خانواده آنان در برابر متهم و وابستگان او به‌کار بندند. یکی از جنبه‌های تأمین امنیت بزه‌دیدگان قاچاق، تأمین امنیت فیزیکی آنان است. این موضوع به‌صراحت در پروتکل یکم پالرمو پیش‌بینی شده است. طبق بند ۵ ماده ۶ این پروتکل: «هر دولت طرف پروتکل باید تلاش کند تا زمانی که بزه‌دیدگان قاچاق در قلمرو آن دولت حضور دارند، امنیت فیزیکی آنان را تأمین کند».

در این بند، تأمین امنیت فیزیکی بزه‌دیدگان قاچاق به عهده همه دولت‌های متعاقد گذاشته شده است و از این رو می‌تواند دولت ترانزیت طرف پروتکل را نیز دربر بگیرد (Interpretive Notes, 2000: 13) نابرابری بزه‌دیدگان قاچاق انسان و باندهای قاچاق، از حیث امکانات و قدرت، و همچنین موقعیت آسیب‌پذیر این بزه‌دیدگان ضرورت تأمین امنیت آنان را از طریق نهادهای دولتی در جایگاه ویژه‌ای قرار می‌دهد. تأمین امنیت این بزه‌دیدگان در برابر انتقام‌جویی‌های قاچاقچیان باعث می‌شود که بزه‌دیدگان در همکاری با مراجع تعقیب و رسیدگی هیچ تردیدی به خود راه ندهند. با وجود این، بهتر بود که تأمین امنیت خانواده این بزه‌دیدگان نیز مورد توجه قرار می‌گرفت. خوشبختانه، این موضوع مهم در کنوانسیون شورای اروپا، مورد توجه قرار گرفته است. ماده ۲۸ این کنوانسیون در بند ۱ (ج) خود، که به تأمین امنیت بزه‌دیدگان قاچاق پرداخته، خانواده آنان را نیز مورد توجه قرار داده و حمایت از آنان را بر عهده دولت‌های عضو قرار داده است (COE, 2005: Art. 28.1).

زنان و کودکان بزه‌دیده قاچاق انسان ممکن است به دلیل سرگذشت تلخی که داشته‌اند، حاضر به ادامه زندگی توأم با آسیب‌های روحی-روانی نباشند. و حتی

بسیاری از این زنان سرپرست خانوار هستند که برای امرار معاش خود و اهالی خانواده‌شان تن به قاچاق داده اند. بنابراین ممکن است امنیت خانواده برای‌شان از اولویت بیشتری برخوردار باشد. در نتیجه، بهتر بود این مسأله در پروتکل پیش‌بینی می‌شد.

جنبه دیگر تأمین امنیت زنان و کودکان بزه‌دیده قاچاق، حفاظت از زندگی خصوصی آنان است. برخلاف قواعد آیین دادرسی کیفری در جرایم عمومی و عادی، اقتضائات جنایت قاچاق زنان و کودکان مستلزم آن است که در مواردی هویت و مشخصات شاکی و اعلام‌کننده جرم به جنایتکاران اعلام نشود. به همین منظور، مشخصات بزه‌دیده از جمله نام، آدرس، اقامتگاه، محل کار و شماره تلفن او نباید فاش شود و هرگونه تصمیمی در این باره را باید به دادگاه سپرد. (رایجیان اصلی، ۱۳۹۰: ص. ۱۲۱). محرمانه بودن این امر باعث می‌شود تا قاچاقچیان نتوانند درصد انتقام‌جویی برآیند و بزه‌دیدگان نیز در اعلام جرم به خود تردید راه ندهند. در این زمینه، بند ۱ ماده ۶ پروتکل یکم پالمو پیش‌بینی می‌کند: «در مواقع مقتضی و تا آن‌جا که براساس حقوق داخلی دولت طرف پروتکل امکان‌پذیر است، هر دولت متعهد باید از حریم خصوصی و هویت بزه‌دیدگان قاچاق حفاظت کند و از جمله، رسیدگی‌های قانونی مربوط به قاچاق اشخاص را محرمانه نگه می‌دارد». در همین راستا، رسانه‌ها باید در پوشش خبری خود اصول اخلاقی رسانه‌ای را رعایت کنند و در جرم‌های مهمی مانند قتل، جرم‌های جنسی و قاچاق هرگز هویت بزه‌دیده را فاش نکنند.

گنجاندن این مفاد به دلیل تجربیاتی است که در بسیاری از کشورها برای بزه‌دیدگان قاچاق اشخاص به دست آمده است (اشتری، ۱۳۸۵: ۱۷۲) که در بیش‌تر موارد آن، زنان برای حفظ آبروی خویش و جلوگیری از علنی شدن مسأله بهره‌کشی از آنان، از شکایت علیه قاچاقچیان خودداری می‌کنند یا ترجیح می‌دهند به عنوان شاهد نیز در دادگاه حضور پیدا نکنند.

۳-۲- آگاه‌سازی بزه‌دیدگان قاچاق انسان از حقوق خود

آگاه‌سازی یا اطلاع‌رسانی یکی از آشکارترین حقوق عینی‌مادی بزه‌دیده و یکی از مهم‌ترین راه‌های پاسخ‌گویی به نیازهای وی تلقی می‌شود. بی‌گمان، آشناساختن بزه‌دیدگان با حقوق قانونی خود، در بازیابی موقعیت اجتماعی آنان مؤثر است و می‌تواند از تکرار بزه‌دیدگی آنان جلوگیری کند. بر اساس نظریه فرصت جرم، بزه‌کاران، اغلب به شکار طعمه‌هایی می‌پردازند که خطرپذیری کم‌تری داشته باشند. به همین جهت، انسانهای کم‌سواد و ناتوان و ناآشنا به قانون بیش از بقیه، آماج‌گزینش بزه‌کاران قرار می‌گیرند (توجهی، ۱۳۷۷: ۱۸۴). از سوی دیگر، متولیان سیاست جنایی هر جامعه، باید با اظهار حساسیت و علاقمندی خود نسبت به سرنوشت بزه‌دیدگان، اعتماد آنان را جلب و آمار بزه‌دیدگی گزارش‌نشده را تقلیل دهند. در همین راستا، افرادی که در نظام عدالت جنایی کار می‌کنند، باید به نحوی آموزش ببینند که نسبت به نیازها و سرنوشت مراجعان خود حساس و علاقمند باشند. علاوه بر این، آگاهی بزه‌دیدگان به حقوق خود به آنان کمک خواهد کرد که بتوانند در راستای جبران بهتر بزه‌دیدگی خود گام بردارند. در زمینه اطلاع‌رسانی به زنان و کودکان بزه‌دیده قاچاق، بند (ب) ۳ ماده ۶ پروتکل یکم پالمو، یکی از تدابیری را که دولت‌ها برای کمک مادی، روانی و اجتماعی به بزه‌دیدگان قاچاق باید اتخاذ کنند، اطلاع‌رسانی به بزه‌دیدگان — به‌ویژه در خصوص حقوق قانونی خود — دانسته است. در این راستا، دیگر سازمان‌های غیردولتی و بخش‌های جامعه مدنی نیز باید برای خدمات‌رسانی به بزه‌دیدگان مشارکت کنند. نکته دیگر این است که مشاوره و اطلاعات در خصوص حقوق قانونی بزه‌دیدگان قاچاق در دولت‌های پذیرنده باید به زبان قابل فهم خود بزه‌دیدگان ارائه گردد. زیرا مشکل عدم آشنایی قربانیان قاچاق به زبان کشور پذیرنده موجب می‌شود که آنها نتوانند از حقوق قانونی خویش به خوبی دفاع نمایند. هم‌چنین، زنان و کودکان بزه‌دیده قاچاق فشار روانی زیادی را تحمل می‌کنند. بنابراین دادن اطلاعات و مشاوره به این بزه‌دیدگان در خصوص حقوق قانونی‌شان این اطمینان خاطر را به آنان خواهد داد که نیازهای‌شان شناسایی و جبران خواهد شد.

۴-۲-۴- فراهم کردن سازوکارهای جبران برای زنان و کودکان بزه‌دیده قاچاق

بزه‌دیدگی، اغلب با ورود ضرروزیان به بزه‌دیده ملازمه دارد. اگرچه در برخی از جرایم ضررهای وارد شده بر بزه‌دیده از نوع معنوی است، ولی در بسیاری از موارد، بزه‌دیدگان به صورت مستقیم و غیرمستقیم، متحمل ضرر و زیان مادی می‌شوند. ضررهای وارد بر بزه‌دیده، شامل مجموعه خسارت‌هایی است که از زمان رخداد جرم تا زمان رفع نسبی آثار آن، متوجه وی می‌گردد (توجهی، ۱۳۷۷، ۱۹۰).

زنان و کودکان بزه‌دیده قاچاق نیز از نظر اقتصادی در وضعیت نابسامانی قرار دارند و همین نابسامانی اقتصادی، در بسیاری از موارد آنان را به دام قاچاقچیان انسان می‌اندازد. هم‌چنین، آنان ممکن است توسط قاچاقچیان مورد اغفال و کلاهبرداری واقع شده و دارایی خود را از دست بدهند. پس، با توجه به این که بزه‌دیدگان قاچاق انسان در صورت عدم تمکین از خواسته‌های قاچاقچیان هیچ گونه منبع درآمدی ندارند، حمایت مالی از ایشان ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. در قسمت ج از بند ۳ ماده ۶ پروتکل الحاقی، «دولتهای طرف پروتکل متعهد شده‌اند تا اجرای تدابیری را مورد ملاحظه قرار دهند که کمک مادی، روانی و اجتماعی به بزه‌دیدگان قاچاق انسان را فراهم سازد و در موارد مقتضی، سازمانهای غیردولتی و دیگر نهادهای جامعه مدنی، نیز در این کمک مشارکت جویند».

بدیهی است که جبران خسارت از گذر بزه‌کار می‌تواند منطقی‌ترین شکل حمایت مالی از بزه‌دیدگان باشد. در قاچاق انسان، این امر با توجه به سودهای کلانی که قاچاقچیان به دست می‌آورند موجه به نظر می‌رسد. اما در عمل، محل تردید است. زیرا برای نمونه، در برخی از موارد، فرد مشخصی به عنوان بزه‌کار معرفی نمی‌شود. هم‌چنین گاه، به دلیل متواری شدن بزه‌کار، امکان دسترسی به او فراهم نیست. در چنین شرایطی که تأمین خسارات وارد بر بزه‌دیده از ناحیه بزه‌کار عملی نیست، دخالت دولت و سازمانهای غیردولتی و نیز نهادهای جامعه مدنی اجتناب‌ناپذیر است که خوشبختانه این موضوع مورد توجه تدوین‌کنندگان پروتکل هم بوده است.

۲-۳- تعیین موقعیت زنان و کودکان بزه‌دیده قاچاق

موضوع تعیین موقعیت بزه‌دیدگان قاچاق زنان و کودکان دارای حساسیت بسیار بالایی است و دولت‌ها باید در انجام آن دقت کافی داشته باشند. اشخاص قاچاق‌شده در اثر تهدید و اجبار و یا در اثر فریب در دام قاچاقچیان گرفتار شده‌اند و پس از رسیدن به کشور مقصد و ملاحظه وضعیت خویش، از حضور در کشور مقصد ناراضی و آزرده هستند. تداوم حضور نامبردگان در کشور مقصد، صرف نظر از آثار و عواقب آن برای کشور اخیر، زیان‌های غیرقابل جبرانی را به خود این بزه‌دیدگان وارد می‌کند (سلیمی، ۱۳۸۲: ۱۷۴). البته در همه موارد، حضور زنان و کودکان بزه‌دیده قاچاق برای کشورها خسارت‌آور نیست، بلکه کشورها ممکن است از حضور این بزه‌دیدگان منافع نیز به‌دست آورند. امروزه، شایع‌ترین شکل کسب سود، گردشگری جنسی است. در اغلب موارد، دولت‌های میزبان آشکارا از این نوع گردشگری حمایت می‌کنند. در نتیجه، گردشگران و مشتریان از کشورهای دیگر برای برقراری رابطه جنسی به این کشورها سفر کرده و کشورهای میزبان نیز از این راه سودهای زیادی کسب می‌کنند.

موضوع بازگرداندن بزه‌دیدگان قاچاق به موطن‌شان، در پروتکل پالرمو و تحت ماده‌ای جداگانه مورد پذیرش قرار گرفته است. طبق این پروتکل، دولت‌های مبدأ باید بازگشت هم‌میهنان قاچاق‌شده و کسانی را که در قلمروشان حق اقامت دائم دارند، با رعایت امنیت و سلامت آنان و بدون تأخیر نامعقول و نامناسب تسهیل کنند». (Palermo Protocol, 2000: Art. 8.1). در راستای تسهیل بازگرداندن بزه‌دیدگان، دولت‌های طرف پروتکل باید با یکدیگر درباره بررسی ملیت‌ها و نیز مدارک شناسایی و مسافرت بزه‌دیدگان مذاکره کنند». (Palermo Protocol, 2000: Art. 8.3) «در بازگرداندن بزه‌دیدگان قاچاق به دولت دیگر، دولتی که بزه‌دیده را برمی‌گرداند باید این کار را با در نظر گرفتن ایمنی آن شخص و موقعیت او انجام دهد. همچنین، بازگرداندن بزه‌دیدگان قاچاق انسان بهتر است داوطلبانه باشد (Palermo Protocol, 2000: Art. 8.2.)»

در این ماده تلاش شده تا حد امکان، حفاظت لازم از بزه‌دیدگان قاچاق انسان به عمل آید. هر چند بند ۱ این ماده به ظاهر مفادی معمول را دربردارد، زیرا تصور می‌شود که هر دولتی آمادگی دارد که همیشه اتباع اش را به کشور خود بپذیرد. اما گاه ممکن است که برخی از دولت‌ها با این بهانه که افراد بزه‌دیده که به طور قطع، به گونه‌ای غیر قانونی از کشور خارج شده‌اند و یا در خارج از کشور به کار خلاف قانون پرداخته‌اند، موجب بی‌آبرویی دولت متبوع‌شان را فراهم آورده‌اند و در نتیجه، از بازگشت آنان به میهن‌شان جلوگیری می‌شود. هم‌چنین، عبارت «بهتر است داوطلبانه باشد»، در بند ۲ این ماده به بزه‌دیدگان برمی‌گردد و نه به دولتی که قرار است بزه‌دیده را برگرداند. بنابراین، بازگرداندن بزه‌دیدگان به میهن‌شان طبق این ماده باید در صورت رضایت این بزه‌دیدگان باشد.

با وجود این، در بسیاری از موارد، بزه‌دیدگان قاچاق انسان، به‌ویژه زنان و کودکان، به دلیل فقدان خانواده و حمایت اجتماعی، مایل به بازگشت به کشور خودشان نیستند. وانگهی، مطالعات متعدد در مورد بزه‌دیدگانی که به وطن‌شان بازگردانده شده‌اند، نشان می‌دهد که بسیاری از آنان به محض برگشت به کشور خودشان، با مشکلاتی مانند ضربه روحی و روانی یا دیگر مشکلات روانی، مشکلات بهداشتی، بدنامی و عدم پذیرش از سوی خانواده و دوستان، فقدان مسکن، انتقام‌جویی از طرف قاچاقچیان، فقدان موقعیت شغلی و خطر تکرار بزه‌دیدگی قرار دارند. برخی از آنان به دلیل فقدان هر نوع ساختار اجتماعی یا خانوادگی در کشور خودشان، در معرض خطر قاچاق دوباره قرار دارند. حتی کسانی که خانواده دارند ممکن است در صورتی که خانواده‌شان آنان را به قاچاقچیان فروخته باشد، در معرض خطر قرار داشته باشند (Seaman, 2010: 9). بدین ترتیب، فراهم‌سازی اقامت این بزه‌دیدگان در کشور مقصد منطقی به نظر می‌رسد. با وجود این، باید توجه داشت که صرف‌اجازه این دولت‌ها به اقامت بزه‌دیده در کشور مقصد کافی نیست بلکه این بزه‌دیدگان باید بتوانند به مثابه یک شهروند عادی از حقوقی مانند حق داشتن شغل مناسب، حق ازدواج و... برخوردار باشند. حال ممکن است اجرای برخی از حقوق توسط دولت و یا نهادهای

غیررسمی صورت گیرد. البته در حالت دوم، وجود نظارت دولت‌ها بر این مکان‌ها ضروری است تا این مکان‌ها خود به مکانی برای بهره‌برداری جنسی و بیگاری‌های مضاعف تبدیل نشود.

در این زمینه، ماده ۷ پروتکل الحاقی پیش‌بینی می‌کند:

«۱- علاوه بر اتخاذ تدابیری برطبق ماده ۶ این پروتکل، هر دولت متعاقد باید اتخاذ تدابیر قانونی یا دیگر تدابیر مناسب را که به بزه‌دیدگان قاچاق انسان فرصت می‌دهد در موارد مقتضی به صورت موقت یا دائم در قلمرو آن دولت بمانند، مورد توجه قرار دهد.

۲- در اجرای مفاد مندرج در بند ۱ این ماده، هر دولت معاهد توجه مقتضی را به عوامل بشردوستانه و دلسوزانه معطوف خواهد ساخت.».

موقعیت اشخاص قاچاق‌شده و این که آیا در نهایت به کشورهای مبدأ خود بازگردانده شوند یا خیر، موضوع بسیار مهمی است. زیرا در این‌جا منافع کشورهای توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته در تضاد با هم قرار می‌گیرد. عموماً کشورهای توسعه‌یافته که اشخاص اغلب به آن‌جا قاچاق می‌شوند، تمایلی به باقی‌ماندن بزه‌دیدگان در کشورشان ندارند؛ زیرا این امر انگیزه‌ای را برای قاچاق و نیز مهاجرت غیرقانونی فراهم می‌آورد. اما در مقابل کشورهای توسعه‌نیافته‌ای که اتباع‌شان قاچاق می‌شوند، خواهان بیش‌ترین حفاظت و موقعیت حقوقی ممکن برای بزه‌دیدگان هستند. عبارت «در موارد مقتضی» می‌تواند به عنوان نوعی مصالحه در مورد ماندن بزه‌دیدگان در کشور مبدأ باشد. زیرا این عبارت و نیز توجه مقتضی به عوامل بشردوستانه و دلسوزانه موجب می‌شود که دولت‌ها، نوعی تعهد را به عدم بازگرداندن بزه‌دیدگانی که بازگرداندن‌شان موجب آسیب به آنان می‌شود، احساس کنند و در دیگر مواردی که بازگرداندن بزه‌دیدگان را تشخیص دهند، به این کار مبادرت ورزند (Seaman, 2010: 18). با وجود این، پروتکل مسأله اقامت را به انتخاب دولت‌ها گذاشته است و در نتیجه، اقامت بزه‌دیدگان به این بستگی پیدا می‌کند که آیا دولت‌ها می‌خواهند به آنان اجازه دسترسی به اقامتگاه خود را بدهند یا خیر.

۴-۲- ضرورت حمایت پزشکی از زنان و کودکان بزه‌دیده قاچاق

تأمین نیازهای درمانی بزه‌دیدگان به دلیل فوریت و اهمیت آن، مقدم بر سایر نیازمندی‌های آنان است. اصول بشردوستانه ایجاب می‌کند که نیازهای اولیه درمانی بزه‌دیده، حتی اگر در صورت مقصر بودن در رخداد جرم، در اسرع وقت برطرف گردد. نظر به اهمیت این مسأله، مواد ۱۴ تا ۱۷ اعلامیه سازمان ملل متحد درباره «اصول بنیادی عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت» (۲۹ نوامبر ۱۹۸۵)، به ضرورت و فوریت کمک‌های مادی و روانی و اجتماعی اختصاص یافته است.

زنان و کودکان بزه‌دیده به‌طور معمول مورد آزار و اذیت شدید جسمی، روحی و روانی قرار می‌گیرند. پس، برای بازگشت به زندگی عادی خود نیاز به کمک‌های مختلف دارند. خدمات‌رسانی به این بزه‌دیدگان، ناگزیر نیازمند یک سامانه ویژه پزشکی است، زیرا آنان به دلیل صدمات جسمی و روحی، نیازمند توجه و مراقبت‌های ویژه اند. زنان و کودکان بزه‌دیده، اغلب، از مراجعه به بیمارستان یا اورژانس به علت امکان افشاء اسرارشان ترس دارند. ولی، اگر امکان مراجعه به اورژانس ویژه را داشته باشند، می‌توانند از خطرات احتمالی در امان بمانند. بند (ج) ماده ۳ پروتکل یکم کنوانسیون پالمو، به ضرورت حمایت پزشکی از بزه‌دیدگان قاچاق انسان، بویژه زنان و کودکان، به منظور بهبود فیزیکی و روانی آنها تأکید کرده است. در نکات تفسیری این پروتکل، به نکته جالبی در این خصوص اشاره شده است: «نوع کمک مورد نظر در این بند هم نسبت به دولت پذیرنده و هم به دولت مبدأ بزه‌دیدگان قاچاق قابل اعمال است. اما تنها در خصوص بزه‌دیدگانی مصداق دارد که در قلمرو آن دولت‌ها حضور دارند. بند ۳ تا هنگامی که بزه‌دیده قاچاق اشخاص به دولت مبدأ خود بازنگشته است، بر دولت پذیرنده و از آن پس، بر دولت مبدأ قابل اعمال است».

زنان و کودکان بزه‌دیده قاچاق علاوه بر آسیب‌های بدنی، متحمل آسیب‌های روانی شدیدی نیز می‌شوند. بنابراین درمان پزشکی این بزه‌دیدگان شامل ترمیم تمام

آسیب‌ها (بدنی و روانی) می‌شود که این موضوع به‌درستی در پروتکل نیز پیش‌بینی شده است.

نتیجه‌گیری

جمع‌بندی: قاچاق انسان یکی از جرم‌های سازمان‌یافته فراملی است که بیش‌ترین بزه‌دیدگان آن را زنان و کودکان تشکیل می‌دهند. مهم‌ترین شاخص بزه‌دیدگی زنان و کودکان در قاچاق انسان، آسیب‌پذیر بودن این اشخاص، به اعتبار معیار جنسیت و سن است. پروتکل یکم کنوانسیون پالرمو نیز از همان عنوان خود، بر همین اساس، ضمن جرم‌انگاری قاچاق انسان، بر سوژه‌های ویژه و اصلی بزه‌دیدگی این جرم (یعنی، زنان و کودکان) تصریح و تأکید می‌کند. قانون مبارزه با قاچاق انسان در ایران، در این میان، ضمن شناسایی مطلق بزه‌دیدگان این جرم، تنها بر حمایت کیفری از آنان بسنده کرده و دیگر جنبه‌های مهم حمایتی را نادیده گرفته است.

نتایج تحقیق: مطالعات گوناگون نشان می‌دهد که مبارزه مؤثر با قاچاق انسان، به‌ویژه زنان و کودکان، نیازمند یک رویکرد فراگیر و دربرگیرنده اقداماتی برای حمایت از بزه‌دیدگان این جرم است. این رویکرد فراگیر، که بر خلاف حقوق ایران، در پروتکل یکم کنوانسیون پالرمو، پذیرفته شده است، افزون بر جنبه حمایت کیفری، باید دیگر جنبه‌های حمایتی (از جمله حمایت‌های پزشکی، عاطفی-حیثیتی و اجتماعی) را نیز دربرگیرد. اما در خصوص پروتکل اشاره به نکات زیر ضروری است:

نخست، این پروتکل اگرچه یک سند حقوق بشری نیست، ولی با معیارهای حقوق بشر سازگار و هماهنگ است و اصول و ملاک‌های بین‌المللی در این زمینه را تأیید می‌کند. دوم، گسترش تعریف‌های پذیرفته‌شده در پروتکل، پیشرفت درستی است. بر این اساس، دولت‌ها با فهم درست از مفهوم تجارت در پرتو این کنوانسیون و پروتکل آن، مؤثرتر از قبل می‌توانند در راستای مقابله با قاچاق انسان، به‌ویژه قاچاق زنان و کودکان، اقدام و همکاری کنند.

با وجود این، یکی از کاستی‌های این پروتکل، فقدان ضمانت‌اجرا برای موارد حمایت از بزه‌دیدگان قاچاق انسان است. در واقع، این پروتکل بیشترین آزادی عمل را به دولتها داده است و فاقد ضمانت‌اجراهای مشخص برای حمایت از این بزه‌دیدگان است. ضعف دیگر پروتکل این است که راهکارهایی برای نحوه اعتراض و پی‌گیری بزه‌دیدگان در خصوص بزه‌دیدگی و بهره‌مندی از حمایت‌های پیش‌بینی‌شده ارائه نمی‌کند.

به‌رغم این مسائل، باید گفت که پروتکل یکم پالرمو توصیه‌های به‌نسبت جامعی برای حمایت از بزه‌دیدگان قاچاق انسان مطرح می‌کند که می‌تواند گام مثبتی و امیدوارکننده‌ای برای آینده‌ای بهتر به منظور حمایت از این بزه‌دیدگان باشد.

در پایان با توجه به مطالب ارائه‌شده، پیشنهادهای زیر را نیز می‌توان مطرح کرد: یک: نخستین گام در زمینه حمایت از زنان و کودکان بزه‌دیده قاچاق، تصویب کنوانسیون پالرمو و پروتکل الحاقی آن است. با توجه به این که پروتکل آزادی عمل را به خود دولتها واگذار کرده است، بنابراین، نگرانی عدم مطابقت مقررات پروتکل با اصول حقوقی ملی وجود نخواهد داشت.

دو: اتخاذ تدابیر حمایتی در کنار تدابیر سرکوبگر برای پیش‌گیری از قاچاق ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. البته در این راستا توجه به این نکات ضروری است: نخست این که تدوین‌کنندگان قوانین باید نگرش صحیحی به افراد قاچاق‌شده داشته باشند و به این اشخاص به عنوان بزه‌دیده بنگرند و نه به عنوان مظنون و متهم. دیگر این که در اصلاح قانون باید توجه ویژه به زنان و کودکان، به عنوان آسیب‌پذیرترین گروه در برابر قاچاق، شود. زیرا وضع قوانینی در راستای کاهش آسیب‌پذیری این افراد، برابر است با کاهش درصد بالایی از آمار قاچاق در ایران.

سه: برای حمایت جامع از بزه‌دیدگان قاچاق انسان مشارکت نهادهای غیررسمی و انجمن‌های مردمی ضروری است.

چهار: در *قانون مبارزه با قاچاق انسان*، این عمل نیازمند عبور از مرزهای بین‌المللی دانسته شده است، در حالی که قاچاق در داخل مرزها نیز بسیار رایج و

خطرناک است. بنابراین، همان‌گونه که این موضوع در کنوانسیون ۲۰۰۰ شورای اروپا نیز پیش‌بینی شده، گنجاندن آن در قوانین ایران نیز پیشنهاد می‌شود. سرانجام، هماهنگی و همکاری کشورها با یک‌دیگر و با نهادهای بین‌المللی در پیش‌گیری از قاچاق انسان و حمایت از بزه‌دیدگان آن در راستای کاهش آثار بزه‌دیدگی آنان و همچنین، جلوگیری از بزه‌دیدگی افراد آسیب‌پذیر ضروری است. کشورها می‌توانند با تصویب سریع‌تر اسناد بین‌المللی مربوط و اجرای دقیق و نظارت بر اجرای آن، وضع قوانین داخلی مناسب یا تغییر آن در انطباق با اسناد بین‌المللی، همکاری با سازمانهای غیردولتی بین‌المللی، آموزش و آگاهی‌دادن به افراد (به‌ویژه، زنان و کودکان) از طریق رسانه‌ها یا تهیه جزوات، بروشورها و... ارائه خدمات و برخورد مناسب با قربانیان (از طریق اعمال حمایت‌های مختلف به آنان) به کنترل قاچاق کمک کنند.

منابع

الف: فارسی

- ۱- آشوری، محمد (۱۳۸۳-۱۳۸۲)، تقریرات جامعه‌شناسی جنایی، تقریرات دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، انتشارات دانشکده حقوق دانشگاه تهران، نیم سال اول.
- ۲- اشتری، بهناز (۱۳۸۲)، کنوانسیون ۱۹۴۹ «توریسم جنسی و آسیب‌های ناشی از قاچاق زنان»، نشریه راهبرد، شماره ۳۰
- ۳- اشتری، بهناز (۱۳۸۵)، قاچاق زنان بردگی معاصر، تهران: نشر میزان.
- ۴- بیگی، جمال (۱۳۸۴)، بزه‌دیدگی اطفال در حقوق ایران، تهران: نشر میزان.
- ۵- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۹۰)، بزه‌دیدگی‌شناسی، جلد یکم، تحولات بزه‌دیدگی‌شناسی و علوم جنایی، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی (شهر دانش).
- ۶- رایجیان اصلی، مهرداد (۸۹-۱۳۸۶)؛ جرم‌شناسی، تقریرات دوره کارشناسی حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی.

- ۷- رمضان نرگسی، رضا (۱۳۸۳)، پیشینه‌شناسی پدیده قاچاق زنان، نشریه همبستگی، شماره نخست.
- ۸- رمضان نرگسی، رضا (۱۳۸۲)، قاچاق زنان در فقدان بایدها و نبایدها، نشریه کتاب زنان، شماره ۱۹.
- ۹- سلیمی، صادق (۱۳۸۲)، جنایات سازمان‌یافته فراملی، انتشارات تهران صدا.
- ۱۰- قاسمی، جواد (بی‌تا)، کودک‌آزاری و حمایت‌های کیفری، قابل دسترس در: <http://www.qomprisons.ir/Attach/SMMArticles/Pages/1/a6d3e4b0b3726e0b372e0213f60ed>
- ۱۱- کی‌نیا، مهدی (۱۳۸۶)، مبانی جرم‌شناسی، جلد اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۲- توجهی، عبدالعلی (۱۳۸۳)، اندیشه حمایت از بزه‌دیدگان و جایگاه آن در گستره جهانی و سیاست جنایی تقنینی ایران، در: علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از دکتر آشوری)، تهران، انتشارات سمت.
- ۱۳- توجهی، عبدالعلی (۱۳۷۷)، جایگاه بزه‌دیده در سیاست جنایی ایران، رساله دوره دکتری، رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۱۴- توجهی عبدالعلی (۱۳۷۸)، سیاست جنایی حمایت از بزه‌دیده، مجتمع آموزش عالی قم، فصلنامه تخصصی علوم انسانی، شماره ۴۰، زمستان.
- ۱۵- داوودی گرمارودی، هما (۱۳۸۸)، بزه‌دیده‌شناسی زنان و زمینه‌های مؤثر در کاهش جرایم، نشریه فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، سال سیزدهم، شماره ۵۰، بهار و تابستان.
- ۱۶- هریسون، پل (۱۳۶۴)، درون جهان سوم، ترجمه شاداب و جدی، تهران، انتشارات فاطمی

ب: خارجی

1. After Palermo: An Overview of What the Convention and Protocols Hope of Accomplish, available at: [http://www.odccp.org/palermo/sum1.html-\(1/3/2001\)](http://www.odccp.org/palermo/sum1.html-(1/3/2001))

2. Council of Europe Convention (COE) on Action against Trafficking in Human Beings , Warsaw , 16.v.2005 , available at :
http://www.coe.int/T/E/human_rights/trafficking/PDF_Conv_197_Trafficking_E.pdf.

3. Declaration of the Rights Child (1959), available at:
<http://www.cirp.org/library/ethics/UN-declaration/>

4. Seaman, Abram L (2010); Permanent Residency for Human Trafficking Victims in Europe : The Potential Use of Article 3 of the European Convention as a Means of Protection , available at : <http://ssrn.com/abstract=1503739>.

5. Human Rights Watch (2005), Double Standards: Women's Property Rights Violations in Kenya, vol.15, No.5 (A) , March 2003 , available at :
http://www.sarpn.org.za/documents/d0000333/P313_Kenya_Report.pdf.

6. Interpretive Notes for the Official Records (Travaux Préparatoires) of the Negotiation of the Protocol , United Nations General Assembly , 3 November 2000, available at:
http://www.unodc.org/pdf/crime/final_instruments/383a1e.pdf.

7. Protocol to "Prevent, Suppress and Punish Trafficking in Persons, Especially Women and Children" (Palermo Protocol), Supplementing the United Nations Convention against Transnational Organized Crime, 2000, available at:
www.uncjin.org/Documents/Conventions/Dcutoc/Final-Documents.

8. Raymond, Janice G, "Guide to the New Trafficking Protocol", available at :
http://action.web.ca/home/catw/attach/un_protocol.pdf.

9. Raymond , Janice G (2002), The New UN Trafficking Protocol , Women's Studies International Forum, Vol. 25, No. 5, available at : <http://www.heart-intl.net/HEART/030106/TheNewUNTrafficking.pdf>.

10. Todres , Jonathan (2006), the Importance of Realizing "Other Rights" to Prevent Sex Trafficking, New York University , School of Law , Public Law & Legal Theory Research Paper Series Working Paper , No.06-17 , available at : <http://ssrn.com/abstract=912250>.